

مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۳ - شماره ۲۴ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحات ۳۹-۶۶ (مقاله پژوهشی)

سیاست جنائی پیشگیرانه ناظر بر جرائم جنسی در فقه اسلامی

محمدعلی الهی* / محمدعلی حیدری** / محسن شکرچی زاده***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

چکیده

دین مبین اسلام براساس توجّهی که به نیازهای فطری انسان دارد، برای اشباع صحیح آنها مقرّرات مناسبی وضع کرده و راه های اصولی در این زمینه را نشان داده است. ازدواج از نظر اسلام، تنها راه تعدیل گزینه جنسی است که استفاده صحیح از آن تکامل انسان را در پی دارد. رفتارهای جنسی خارج از چهارچوب ازدواج که از منظر قانونگذار ممنوع می باشد تحت عنوان «جرائم جنسی» مطرح می شوند. سیاست جنائی دین مبین اسلام در مورد گزینه جنسی، سیاستی معتدلانه و واقع بینانه است. دین اسلام ضمن پذیرش گزینه جنسی به عنوان امری مهم و حیاتی در زندگی انسان ها، در مقابل جرائمی که در این حوزه اتفاق می افتد، تدابیر کیفری و تدابیر غیر کیفری (پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی) را به عنوان راهکار های پیشگیرانه مطرح کرده است. دین اسلام می کوشد با تقویت روح و روان افراد، یک نیروی کنترل درونی در افراد ایجاد نماید که انسان را از انحرافات گزینه جنسی دور می کند. در مرحله بعدی برای کاستن از جاذبه های آماج و سخت کردن فرصت های ارتکاب جرم در جرائم جنسی، مقرّراتی را وضع و در مرحله آخر، چنان چه برنامه های تدبیر شده در مراحل گوناگون برای بازداشتن فرد از بزهکاری مفید واقع نشد، مجازات را مطرح می کند. بر اساس یافته های این تحقیق که با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است داشتن عفت، خویشتن داری، داشتن حجاب، حیاء، اصل خدامحوری، اصل تعبد مداری، تقویت ایمان، اصل

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
ma1.heidari@yahoo.com (نویسنده مسئول)

*** استاد یارگروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

آخرت گرایی، اصل اخلاق مداری، اصل اعتدال گرایی، اصل خوف و رجاء، تقوا، آموزش-حمایت، پرهیز از اختلاط با نامحرم، کاهش روابط با نامحرم، پرهیز از تبرج و خودنمایی، خودداری از عشوه گری، ناز و کرشمه کردن برای نامحرم، کنترل نگاه، ممنوعیت لمس، تشویق به ازدواج و نقش خانواده و شهروندان در تربیت انسان ها از جمله سیاست های غیر کیفری (پیشگیری اجتماعی) فقه اسلامی در برابر جرائم جنسی می باشند.

کلیدواژه: سیاست جنائی، سیاست جنائی فقه اسلامی، جرائم جنسی، پیشگیری اجتماعی.

طرح مسأله

با توجه به این که نظام حقوقی اسلام، بخشی از نظام جامع اسلام برای حیات دنیوی و اخروی بشر است و ارتباط بخش های گوناگون این نظام بسیار وثیق است، برنامه های پیش بینی شده در بخش های دیگر نیز دقیقاً به سیاست های جنائی اسلام ناظر بوده و همه برنامه ها در جهت یک هدف تنظیم و ابلاغ شده است. سیاست جنائی اسلام عمده برنامه و توان خود را در از میان بردن زمینه ها و عوامل بروز جرم، متمرکز کرده، درصدد است در مرحله نخست، نوعی خود کنترلی در افراد ایجاد کند و در مرحله دوم، نوعی احساس مسئولیت نسبت به دیگران و دگرکنترلی در جامعه به اجرا گذاشته شود.

روابط جنسی خارج از مقررات از جمله جرائمی هستند که یکی از ارزش های اساسی جامعه؛ یعنی نسل را تهدید می کند. سیاست جنائی اسلام برای سامان بخشیدن به گزینه جنسی در دو جهت گام برداشته است: از یک سو، روش ارضای این گزینه را تشریح کرده و از سوی دیگر، راه انحراف آن را مسدود نموده است. اسلام به عنوان یک مکتب، سیاست جنائی خود را بر پایه اصول و مبانی خاصی بنا نهاده، بر اساس این اصول و مبانی، راهکارهای غیر کیفری و ترجیحاً اجتماعی را در راستای پیشگیری از جرائم از جمله جرائم جنسی را از طریق داشتن عفت، خویشتن داری، داشتن حجاب، حیا، اصل خدامحوری، اصل تعبد مداری، تقویت ایمان، اصل آخرت گرایی، اصل

اخلاق مداری، اصل اعتدال گرایی، اصل خوف و رجا (بیم و امید)، تقوا، آموزش - حمایت، پرهیز از اختلاط با نامحرم، کاهش روابط با نامحرم، پرهیز از تبرج و خودنمایی، خودداری از عشوه گری، ناز و کرشمه کردن برای نامحرم، کنترل نگاه، ممنوعیت لمس، تشویق به ازدواج و نقش خانواده و شهروندان در تربیت انسان و در یک کلام استفاده از راهکارهایی که مبتنی بر انسانیت انسان است را در الویت سیاست جنائی خود قرار داده است. بر اساس این اصول، مبانی و راهکارهای مختلفی اعم از کیفری و غیر کیفری را در جهت حفاظت از آماج جرم، حمایت از افراد در معرض بزه و مباحث تفضیلی که فقها در باب دفع المنکر بیان می کنند را می توان از مهم ترین مباحث سیاست جنائی در قبال پیشگیری از جرائم جنسی دانست.

در راستای تحقیق حاضر گرچه تحقیقاتی از قبل انجام شده است، از جمله مقاله «سیاست جنائی اسلام در جرائم جنسی» نوشته محمد جور کویه، که به تعریف و علل وقوع جرائم جنسی پرداخته است و نیز مقاله ای تحت عنوان «پیشگیری از جرائم در آموزه های قرآن» اثر عظیم زاده اردبیلی و ملک زاده که از منظر قرآن و سنت به راهکارهای پیشگیری از جرائم جنسی پرداخته است اما وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات انجام شده، تبیین راهکارها و سیاست های جنائی غیر کیفری فقه اسلامی در بعد پیشگیری اجتماعی می باشد که در این پژوهش ضمن مفهوم شناسی واژگان (سیاست جنائی، سیاست جنائی اسلام و جرائم جنسی) به این راهکارها و سیاست ها می پردازیم.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- سیاست جنائی

در قلمرویی که اصطلاح سیاست جنائی رواج یافته، این اصطلاح کاربرد واحدی نداشته و بسته به شدت و ضعف گرایش نویسندگان به حقوق، در معانی متفاوت بکار

رفته است و فقدان تعریف یگانه برای سیاست جنائی موجب نوعی ابهام در مفهوم آن شده است. با توجه به «کاربردهای مختلف سیاست جنائی، فاحش ترین تفاوت بین دو دیدگاه دیده می شود که یکی سیاست جنائی را در چهارچوب حقوق کیفری یا جرم شناسی و در محدوده تدابیر و اقدامات دولت و قوای عمومی می شناسد (تعریف مضیق) و دیگری با دید بازتر به برداشتی اجتماعی گرایانه تر از سیاست جنائی متمایل است (تعریف موسع)» (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۳). نخستین کاربردهای سیاست جنائی در معنایی معادل با حقوق کیفری یا سیستم کیفری بوده است که مبتنی بر جرم و مجازات و قانون و قضا می باشد؛ البته با لحاظ کردن عقلانیت، در زمینه سیاست جنائی؛ فویر باخ می گوید: «سیاست جنائی عبارت است از (مجموعه روش های سرکوب کننده که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می دهد) (همان).

با توجه به دو مفهوم ارائه شده حقوقدانان در خصوص سیاست جنائی هرگاه سیاست جنائی را در مفهوم نخست آن یعنی شیوه های سرکوب کننده دولت علیه مجرم محدود نماییم، یک تعریف مضیق از سیاست جنائی ارائه گردیده است و در مقابل، اگر مفهوم سیاست جنائی در معنای وسیع تر لحاظ گردد و آن شامل عوامل کیفری و غیر کیفری و راهکارهای اجتماعی جهت پیشگیری از وقوع جرم دانسته شود در خصوص سیاست جنائی معنای وسیع تری لحاظ گردیده است» (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۳ و ۲۵). برخی هم در تعریف سیاست جنائی گفته اند: «سیاست جنائی به عنوان مجموعه تدابیری که بدنه اجتماع را در مقابله با بزهکاری سازمان می دهد، در هر جامعه ای یا مکتبی متفاوت است» (میر خلیلی، ۱۳۹۴: ۳۰۸).

۲-۱- سیاست جنائی در اسلام

سیاست جنائی به عنوان مجموعه تدابیری که بدنه اجتماعی را در مقابله با بزهکاری سازمان می دهد، در هر جامعه ای یا مکتبی متفاوت است. «اسلام در سیاست جنائی خود هم به عوامل مختلف جرم زا و راهکارهای مقابله با آن توجه کرده است و هم به

زمینه‌ها و موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم و راه‌های زدودن آن پرداخته و از سوی دیگر، به سیاست کیفری در هدفمندی منطقه‌ای و کارآمدی در راستای کاهش آمار جرم تأکید کرده است. اسلام به عنوان یک مکتب، سیاسی جنائی خود را بر پایه اصول و مبانی خاصی بنا نهاده است» (میر خلیلی، ۱۳۹۴: ۳۰۸). بر اساس این اصول و مبانی، راهکارهای مختلفی اعم از کیفری و غیر کیفری را در جهت حفاظت از وقوع جرم و حمایت از افراد در معرض بزه، ارائه نموده است. در مورد فلسفه بعضی از دستورات عبادی و انجام تکالیف دینی که خود باعث پیشگیری از وقوع جرم و گناه می‌شود، آمده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۳۹). همچنین در مورد حکم روزه می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳). تأکید اسلام بر اجرای کیفر درباره مجرمین این قبیل از جرائم، در حقیقت ایجاد ترس و جنبه‌های بازدارندگی فردی و همگانی مجازات حد است که علاوه بر فایده اجتماعی این مجازات‌ها، باعث جلوگیری از تکرار جرم نیز خواهد شد. بدین ترتیب، هدف اسلام از تدوین قوانین کیفری، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح بزهکاران از طریق امر به معروف و نهی از منکر و اجرای سایر دستورات اخلاق مذهبی و اصول دینی است (عظیم زاده اردبیلی و ملک زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۰-۱۲۱).

۳-۱- جرم جنسی

امور جنسی در مفهوم وسیع آن به اموری اطلاق می‌شود که به حسب عرف و احساسات یک جامعه شرم‌آور باشد و صرفاً به منظور واقعه یا شروع آن صورت نگیرد و اگر به منظور واقعه یا شروع در آن صورت گیرد، هتک ناموس و یا شروع در هتک ناموس محسوب می‌شود نه منافی عفت (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۶۹۰). از نظر رویه قضایی هم جرم منافی عفت عبارت است از: هر گونه رابطه ناشی از تمایل زن و مرد به یکدیگر که از حد مرز متعارف جامعه فراتر باشد. به نحوی که جامعه

تواند از آن چشم پوشی کند بلکه آن را به عنوان یک عمل ضد اخلاق و عفت عمومی شمرده و مستحق کیفر بداند. همان طور که ملاحظه می شود، تعاریف مذکور جامع و کامل نیستند؛ زیرا تمام مصادیق جرائم منافی عفت و لواط و یا قوادی و قذف را در بر نمی گیرد. از اینرو برای ارائه تعریفی جامع و مانع می توان گفت: جرائم جنسی و منافی عفت عبارت از هر گونه رابطه یا رفتار جنسی یا فعالیت مجرمانه با محوریت مسائل جنسی خارج از حد و مرز متعارف ارزش های پذیرفته شده در جامعه است که حیثیت، اعتبار و آبروی فردی و خانوادگی اشخاص و جامعه را در معرض خطر قرار می دهد. تعریف مذکور جامع و مانع است، چرا که از یک طرف جرائم منافی عفت تنها رابطه بین دو جنس مخالف نیست؛ بلکه در مواردی این جرم ناشی از روابط دو جنس موافق است، نظیر لواط و مساحقه. از سوی دیگر، در برخی از مصادیق جرائم منافی عفت لزومی به برقراری رابطه جنسی نیست؛ زیرا که جرائمی نظیر دایر کردن مراکز فساد و فحشاء یا استفاده از صور قبیحه، فعالیت مجرمانه با محوریت مسائل جنسی است، نه صرف ارتباط جنسی.

۲- راهکارهای غیر کیفری در بعد پیشگیری اجتماعی در برابر جرائم جنسی از منظر فقه اسلامی

راهکارهای غیر کیفری در بعد پیشگیری اجتماعی در برابر جرائم جنسی از منظر فقه اسلامی عبارتند از:

۱-۲- خویشتن داری

خویشتن داری حالتی است در درون فرد که او را به انجام وظایفش متمایل می سازد، بدون آن که عامل خارجی او را تحت نظارت داشته باشد (الوانی، ۱۳۸۲: ۱۳۴). همچنین خویشتن داری، توانایی پیروی در خواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای یک خواسته در چهارچوب پذیرفته شده اجتماعی،

بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر تعریف شده است (جان بزرگی، ۱۳۸۷:۵۸).

۲-۲- رعایت حجاب

قرآن در موارد متعددی به صورت صریح و اشاره به مسأله حجاب اشاره کرده است؛ از جمله در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می فرماید: «به مردان با ایمان بگو «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه تر است، زیرا خدا به آن چه می کنند آگاه است و به زنان با ایمان بگو «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آن چه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آن چه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.» در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور (قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ...) کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبرو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش های خود می انداختند [در نتیجه، بنا گوش و گردن ایشان هویدا بود] وقتی زن از کنار وی گذشت جوان سر را به عقب برگرداند و همچنان که راه می رفت وی را نظاره می کرد و وارد کوچه ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می کرد به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکه شیشه ای که از دیوار بیرون زده بود برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد.

[به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می رسم و او را از این مسأله خبر دار می کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جوینا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: *قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم إن الله خبیر بما یصنعون* (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳۹). حجاب به معنای پوشیدن، پرده و حاجب به کار رفته و در هیچ موردی اصالتاً به معنای نوع سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می شود اطلاق نشده است (مطهری، ۱۳۷۹: ۷۸). حجاب از نظر لغوی، مصدر «حجب، یحجب» است و در کتاب های لغت به «پوشانیدن»، «نگه داشتن» و «در پرده کردن» معنا شده است (حسینی، ۱۳۸۰: ۲۴۳؛ رضایی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱). پوششی را که اسلام برای زنان مقرر کرده به این معنا نیست که از خانه بیرون نروند، بلکه مفهوم پوشش زن در اسلام این است که در معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشانند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازند.

۳-۲- عفت

عفت، عبارت است از تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل؛ یعنی قوه شهوانی انسان، کارهای خود را بر اساس دستور عقل انجام دهد. به تعبیر دیگر، عفت یعنی اعتدال در بهره مندی از شهوات (مظاهری، ۱۳۷۱: ۱۵۲-۱۵۳). «عفیف» به کسی گفته می شود که در حد اعتدال و در چهارچوب عقل و شرع، از شهوات بهره ببرد و به وادی افراط و تفریط کشیده نشود (نراقی، ۱۳۸۳: ۱۵/۲). خواجه نصرالدین طوسی در تعریف عفت می گوید: عفت یعنی این که قوه شهوت، مطیع نفس ناطقه باشد تا تصرف آن به اقتضای رأی آن بود و اثر خیریت در او ظاهر شود و از هوای نفس و استخدام لذات فارغ دوری گزیند (سجادی، ۱۳۸۵: ۱۲۶۶/۲). یکی دیگر از مهم ترین صفات نفسانی بازدارنده، عفت و پاکی است. «عفت» در لغت به مفهوم خودداری از انجام امر قبیح و ناپسند است (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۲۵۳/۹-۲۵۴). در اصطلاح علم اخلاق، «عفت» عبارت

است از صفتی نفسانی که از غلبه و حاکمیت شهوات بر انسان جلوگیری می کند (نراقی، ۱۳۸۳: ۱۵/۲). مراد از شهوت، مفهوم عام آن است که شامل شهوت شکم و خوراک، شهوت جنسی، شهوت حرف زدن و نگاه کردن و سایر غرایز می شود. حقیقت عفت در آن است که در چگونگی برخورداری از غرایز و شهوات همواره حاکمیت عقل و شرع جایگزین شهوات گردد. بدین ترتیب بهره‌مندی از شهوات بر موازین عقلی و شرعی تنظیم شده، در آن افراط و تفریط نخواهد بود.

۴-۲- حياء

حیاء مانند هیبت دو معنای بارزش و ضد ارزش دارد؛ حیای ارزشمند آن است که انسان از هر کار زشت و گناه و آن چه مخالف عقل و شرع است پرهیزد و حیای ضد ارزش آن است که انسان از فراگرفتن علوم و دانش‌ها و یا سؤال کردن از چیزهایی که نمی داند یا احقاق حق در نزد قاضی و جز او اجتناب کند، همان چیزی که در عرف، از آن به کم‌رویی ناشی از ضعف نفس تعبیر می‌شود. در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است: «الْحَيَاءُ حَيَاءُ أَنْ حَيَاءُ عَقْلٍ وَ حَيَاءُ حُمْقٍ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمْقِ هُوَ الْجَهْلُ: شرم و حیا دو گونه است: حیای عاقلانه و حیای احمقانه؛ حیای عاقلانه از علم سرچشمه می گیرد و حیای احمقانه از جهل» (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۰۶/۲، حدیث ۶). حیاء در لغت به معنای شرم، خجالت و آزر است (دهخدا ۱۳۷۷: ۹۲۴۳/۶). در اصطلاح، ملکه نفسانی است که باعث نگه داشتن فرد از کارهای زشت و تنفر از اعمال خلاف آداب به جهت ترس از سرزنش می شود (مجلسی ۱۴۰۳: ۳۲۹/۶۸). حیاء در روابط با نامحرم نقش مهمی در کنترل جنسی و پیشگیری از جرائم جنسی دارد. یکی از علت‌های عدم پذیرش شهادت کسی که فاقد عدالت است، کمی حیای او است. حیا تنها به زن اختصاص ندارد؛ بلکه حیا ورزیدن برای مردان نیز سفارش شده است. حیا باعث حفظ حریم بین زن و مرد بیگانه می‌شود. چنان چه عدم آن باعث از میان

رفتن این حریم و در پی آن برخی تمایلات نفسانی و شهوانی می شود و در چنین صورتی، احتمال ارتکاب جرائم جنسی به وسیله آنان بسیار بالا می رود.

در حدیثی نیز از امام صادق(ع) آمده است که فرمود: «الْحَيَاءُ عَلَيَّ وَجَهَيْنِ فَمِنْهُ ضَعْفٌ وَمِنْهُ قُوَّةٌ وَإِسْلَامٌ وَإِيمَانٌ؛ حیاء بر دو گونه است: قسمی از آن ضعف و ناتوانی و قسمی دیگر، قوت و اسلام و ایمان است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴۲/۷۵). برخی در تعریف حیاء چنین گفته‌اند: «حیاء ملکه ای نفسانی است که سبب انقباض و خودداری نفس از انجام کارهای قبیح و انزجار از اعمال خلاف آداب به سبب ترس از ملامت می شود؛ البته این همان حیای ممدوح و با ارزش است. در تفسیر حیای مذموم گفته‌اند: «همان انقباض نفس و خودداری از انجام کارهایی است که قبیح نیست، بلکه لازم است انسان بر اثر کم‌رویی آن را ترک کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳۹/۱۲).

حیاء یکی از مهم‌ترین صفات نفسانی است که تأثیر فراوانی بر حوزه های مختلف زندگی اخلاقی ما دارد. نقش بارز این تأثیر، بازدارندگی است. «حیاء» در لغت به مفهوم شرمساری و خجالت است که در مقابل آن «وقاحت» و بی‌شرمی قرار دارد (ابن منظور، ۱۴۲۶: ۵۱/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۲۷۰). در فرهنگ عالمان اخلاق، حیاء نوعی انفعال و انقباض نفسانی است که موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است (شیخ طوسی، ۱۴۰۴: ۷۷). مطالعه درباره مفهوم «حیاء» در آیات و روایات نشان می دهد که منشأ پیدایش این حالت، درک حضور در محضر ناظری آگاه، محترم و گرانمایه است. حیاء دارای سه رکن اصلی است: فاعل، ناظر و فعل. فاعل، در حیاء شخصی است برخوردار از کرامت و بزرگواری نفسانی. ناظر در حیاء شخصی است که مقام و منزلت او در چشم فاعل عظیم و شایسته احترام باشد، و فعلی که رکن سوم برای تحقق حیا است، فعل ناپسند و زشت است. در نتیجه، در تفاوت میان «حیاء» با «خوف» و «تقوا» می توان گفت که محور بازدارندگی در حیاء، ادراک حضور ناظر محترم و بلند مرتبه و حفظ حرمت و

حریم او است؛ حال آن که محور بازدارندگی در خوف و تقوا، درک قدرت خداوند و ترس از مجازات او است. در اینجا تنها مباحث کلی مربوط به حیاء مطرح می شود.

الف) ارزش حیاء: رسول خدا(ص) حیاء را زینت آدمی شمرده و فرموده است: «بی شرمی با هیچ چیز همراه نشد مگر این که آن را زشت گردانید، و حیاء با هیچ چیز همراه نگشت، مگر این که آن را آراست. امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «هر که پوشش شرم گزیند کس عیب او نبیند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۳؛ کلینی: ۱۳۶۹: ۲۳/۸) و در بیانی دیگر می فرماید: «حیاء پیشه کن که حیاء نشانه نجابت است» (آمدی، بی تا: ۶۰۸۲). اهمیت حیاء در حدی است که امام صادق (ع) فرمود: «ایمان ندارد کسی که حیاء ندارد» (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۰۶/۲).

ب) اسباب و موانع حیاء: برخی از اموری که در روایات به عنوان اسباب حیاء مطرح شده است، به قرار زیر است:

۱. عقل: رسول خدا(ص) در پاسخ راهب مسیحی (شمعون بن لاوی بن یهودا) که از او در باره ماهیت و آثار عقل پرسیده بود، فرمود: عقل موجب پیدایش حلم است و از حلم، علم و از علم، رشد و از رشد، عفاف و از عفاف، خویشتن داری، و از خویشتن داری، حیاء، و از حیاء، وقار، و از وقار، مداومت بر عمل خیر و تنفر از شر، و از تنفر از شر، اطاعت نصیحت گوی حاصل می گردد» (حرّانی، ۱۳۸۰: ۱۹؛ کلینی، ۱۳۶۹: ۱۰/۱، حدیث ۲ و ۲۳۰/۲).

۲. ایمان: امام صادق علیه السلام می فرماید: «ایمان ندارد کسی که حیاء ندارد» (کلینی: ۱۳۶۹: ۱۰۶/۲، حدیث ۵)؛ همچنین در روایات، اموری به عنوان موانع حیاء و یا به عبارت دیگر علل بی حیایی یا کمی حیا معرفی شده اند از قبیل از میان برداشتن پرده ها و حریم ها؛ امام کاظم علیه السلام به یاران خود توصیه می فرمود: پرده شرم و آزر میان خود و برادرت را برمدار، و مقداری از آن را باقی گذار؛ زیرا برداشتن آن برداشتن حیاء است (همان: ۶۷۲/۲، حدیث ۵).

ج) آثار حیاء: در روایات، آثار فراوانی اعم از دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی و نفسانی و رفتاری برای حیاء بیان شده است که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. محبت خداوند: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خداوند، انسان با شرم و حیاء و پاکدامن را دوست دارد و از بی شرمی گدایِ سَمِیحِ نفرت دارد» (شیخ طوسی، ۱۴۰۴: ۳۹، حدیث ۴۳).

۲. عَقَّت و پاکدامنی: امام علی (ع) می فرماید: «ثمره حیاء، عَقَّت و پاکدامنی است.»

۳. پاک شدن گناهان: امام سجاد علیه السلام در اینباره فرموده است: چهار چیز است که هر کس را باشد اسلامش کامل و گناهانش پاک گردد و پروردگار خود را ملاقات می کند در حالی که خداوند عزّ و جلّ از او خشنود است: هر کس به آن چه به نفع مردم بر خویشتن قرار داده، برای خدا انجام دهد و زبانش با مردم راست باشد و از هر چه نزد خدا و نزد مردم زشت است، شرم کند و با خانواده خود خوشرفتار باشد (شیخ صدوق: ۱۴۰۴: ۲۲۲/۱، حدیث ۵۰).

د) موارد حیاء: گفته شد که حیاء، شرم از انجام اعمال زشت در محضر ناظر محترم است؛ بنابراین اولاً، در متون اخلاق اسلامی خداوند و ناظران و نمایندگان او، حقیقت الهی و انسانی فرد و دیگران، به عنوان ناظرانی که باید از آنها شرم و حیاء ورزید مطرح شده اند؛ ثانیاً، قلمرو حیاء امور زشت و ناپسند است و شرمساری در انجام نیکی ها هیچگاه پسندیده نیست. ولی این حدّ و مرز در بسیاری از موارد از سوی مردم رعایت نمی گردد. منشأ این امر گاهی جهالت و گاهی بی مبالاتی است. در بسیاری از روایات حیاء ورزی در برخی موارد ممنوع شده است (مجلسی: ۱۴۰۳: ۱۳۱/۳). به نظر می رسد که با وجود ضابطه پیش گفته در مفهوم حیاء، این تأکید به دلیل آن است که انسان نسبت به این موارد نوعی شبهه علمی دارد و تا حدودی توجیهاتی، جهت تأیید حیاء ورزی در آن موارد برای خود دست و پا می کند.

۵-۲- اصل خدامحوری

یکی از عام ترین اصول در تربیت اسلامی است که جوهره اساسی رفتار یک فرد دیندار را تشکیل می دهد. مفهوم خدا محوری به طور مشخص عبارت است از انجام و یا قصد انجام تمامی اعمال و رفتار انسان براساس معیارهایی که خداوند برای انسان ها تعیین کرده است، که به منظور کسب رضایت الهی صورت پذیرد. بر این اساس، فردی که به کنترل نفس خویش اقدام می کند فعالیت خود را براساس معیار های الهی ساماندهی می نماید (شیخ انصاری، ۱۳۸۹: ۱/۲۵).

۶-۲- اصل تعبد مداری

مفهوم واژه تعبد از نوعی ارتباط انسان (عبد) با خدا (معبود) که مستلزم تواضع، خشوع و فروتنی در برابر او و پرهیز از هر گونه طغیان، تکبر و گردن کشی از دستورها و احکام او است (ابن فارس، ۱۴۱۰: ۲۰۶). از نظر قرآن، فرد مؤمن تنها دلیل انجام عمل را اطمینان به سرچشمه گرفتن آن از جانب خداوند می داند و به صرف آگاهی از این نکته که عمل مزبور از دید الهی مطلوب یا غیر مطلوب است اقدام به انجام آن یا اجتناب از آن می کند. بر این اساس، فردی که به کنترل نفس خویش اقدام می کند آگاه است که فعالیتش از نظر خداوند مطلوب است (همان: ۲۸/۱).

۷-۲- تقویت ایمان

از عوامل مهم احترام به ارزش ها و رعایت هنجارهای جامعه، درونی شدن ارزش ها و هنجارهاست. تا زمانی که فرد به ارزش ها و هنجارها اعتقاد نداشته باشد، پایبندی و احترام او قابل اعتماد و با دوام نخواهد بود اگر به جهاتی یا در اثر عواملی ناچار به رعایت آن گردد. اگر فرصتی دست دهد، نسبت به آن وفادار نخواهد ماند. بر همین اساس، خداوند (دوری از جرائم جنسی را یکی از صفات «مؤمنان» می شمارد: قد أفلح المؤمنون ... و الذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم أو ما ملکت أیمانهم فانهم غیر ملومین: مؤمنان رستگار شدند آنها که... دامان خود را از آلوده شدن به بی عفتی

حفظ می‌کنند. تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند» (مؤمنون: ۱-۶).

در این آیه به روشنی میان ایمان و محافظت از فروج با توصیه به دوری از جرائم جنسی و رفع نیاز جنسی از راه مشروع، پیوند برقرار شده است. به عبارت دیگر، ایمان به خدا و دستورات او با آلودگی جنسی قابل جمع نیستند. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) آمده است: «لایزنی الزانی و هو مؤمن: انسان مسلمان در حالی که ایمان دارد، زنا نمی‌کند.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۵/۱۵). آموزه‌های اسلامی می‌کوشند روزانه، بلکه لحظه به لحظه بر ایمان افراد مؤمن بیفزایند. تشریح انواع عبادات مانند نماز، روزه و توصیه به انواع اعمال نیک، در جهت ارتقای سطح ایمان افراد مؤمن است. نماز، انسان مؤمن را به اوج قله ایمان می‌رساند. انسانی که با نماز به قرب حق تعالی دست پیدا می‌کند، چنان ایمان می‌یابد و به مرتبه‌ای از کمال می‌رسد که حاضر نمی‌شود از مرزهای اخلاق جنسی عبور کند و خود را حقیر سازد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» و نماز را بر پا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است؛ خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید» (عنکبوت، آیه ۴۵) برابر این آیه شریفه یکی از فلسفه‌های نماز، فاصله گرفتن انسان نماز گزار از فحشاست که جرائم جنسی یکی از روشن‌ترین مصداق آن است.

یکی دیگر از احکام عبادی اسلام، روزه است. از جمله آثار روزه، تقویت ایمان فرد روزه دار است. کسی که به میل خود می‌کوشد غریزه سرکش جنسی را لگام زند و حتی در این زمان با همسر خود آمیزش جنسی نداشته باشد، با این تمرین به این اراده استوار می‌رسد که بتواند در مقابل زیاده‌خواهی نفس برای ارتکاب جرائم جنسی مقاومت نماید.

علاوه بر این، روزه تأثیر قابل توجهی در تقلیل خواهش های جنسی انسان دارد، چنان که رسول گرامی اسلام (ص) به جوانی که برای چاره جویی در مقابل فشار غریزه جنسی نزد حضرت آمده بود، فرمودند: «یا معشر الشباب، علیکم بالباه، فان لم تستطیعوه فعلیکم بالصیام، فأنه وجاهه! ای جوانان! بر شما باد ازدواج و چنان چه توانایی ازدواج ندارید، روزه بگیرید، زیرا روزه مهار شهوت است» (کلینی، ۱۳۶۷: ۱۸۰/۴). بر این اساس، یکی از راه های مهم و اصلی پیشگیری از جرائم جنسی، تقویت باور به قانون به ویژه ایمان دینی است.

۸-۲- اصل آخرت گرایی

جهت گیری زندگی بر مبنای آخرت گرایی، تحوّل اساسی در رفتار و سلوک انسان ایجاد می کند. تربیت دینی مسئولیت ویژه ای در باروری عقل دینی از رهگذر القای ذهنیت آخرت اندیش دارد. از اینرو مفاهیم دینی مشحون از یادآوری سرای جاوید و ایجاد تنبه در انسان نسبت به آن است (شیخ انصاری، ۱۳۸۹: ۲۹/۱). مانند آن که خداوند می فرماید: «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره: ۴۸). امام خمینی (ره) درباره تأثیر آخرت گرایی در تربیت انسان می گویند: «اگر انسان باورش آمد که یک مبدأ برای این عالم است و یک بازخواستی برای انسان است، در یک مرحله بعد مردن، فناء نیست؛ مردن انتقال از یک نقص به کمال است؛ اگر این را باورش بیاید این انسان را نگاه می دارد از همه چیزها، از همه لغزش ها» (فراهانی، ۱۳۷۸: ۱۵۲-۱۰۵).

۹-۲- اصل اخلاق مداری

اخلاق از مهم ترین ارکان و اهداف مهم دین است. مقصود از تمامی معارف دین و انجام مناسک و شعائر، ایجاد تحوّل اخلاقی در انسان است. آنچنان که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتواند در حوزه اخلاقی تأثیرگذار باشند کمال خود را نیافته اند و این موضوع به وضوح در قرآن روشن است، چراکه قرآن کسب معرفت را

ابزاری برای نیل به تحوّل اخلاقی می‌داند. حال آن‌که آن معرفت در حوزه جهان‌شناسی باشد، یا آگاهی از امور غیب و یا معرفت از وقایع تاریخی (هود: ۱۲۰) و از سوی دیگر، نگاه قرآن به احکام و شریعت نیز نگاهی حاکی از توجه به اخلاق است همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَلْطِقُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت: ۴۵). بر اساس این اصل، فردی که به کنترل نفس خویش اقدام می‌کند اقدام خود را نوعی تحوّل در جهت کسب فضائل اخلاقی در جهت رسیدن به کمال انسانی قلمداد می‌نماید (شیخ انصاری، ۱۳۸۹: ۳۰/۱).

۱۰-۲- اصل اعتدال‌گرایی

اصل اعتدال‌گرایی، بیانگر رعایت اعتدال و توازن در تربیت انسان و پرهیز از گناه و افراط و تفریط است. البته این اصل متضمّن دو امر است: الف- مفهوم اعتدال، دربرگیرنده جامعیت است؛ بدین معنا که آن چه در تربیت اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد شامل تمام نیازها و خواسته‌های وجودی انسان است. و این جامعیت، مستلزم رعایت اعتدال در میان نیازهای مزبور و پرهیز از افراط و تفریط در مواجهه با آنهاست؛ ب- رعایت اعتدال و میانه روی برای پاسخگویی به یک نیاز، انسان را از افراط و زیاده روی در پرداختن به آن باز می‌دارد (همان). بر اساس اصل اعتدال‌گرایی، فرد خود کنترل از افراط و تفریط پرهیز نموده و با پیروی از موازین شریعت جانب میانه روی را طی کرده و بر آن تداوم می‌ورزد.

۱۱-۲- اصل خوف و رجاء (بیم و امید)

خوف و رجاء در تربیت دینی مکمل یکدیگرند و همواره انسان را از یأس و غرور پیراسته و به امید و تواضع آراسته می‌سازند. هرگز نمی‌توان حرکت‌های سازنده تربیتی که منجر به اصلاح و تغییر رفتار در انسان می‌شوند را بدون وجود انگیزه‌ای آشکار متصوّر شد. تشویق و تنبیه، پاداش و جزا و در نهایت بهشت و جهنم در تعبیر

دینی، نمادی روشن و عاملی اساسی جهت ایجاد انگیزش در انسان از رهگذر نوعی بیم و امید و ترس و عشق است؛ چراکه انسان با ترکیبی متعادل از بیم و امید، حرکتی را آغاز و یا آن را رها می‌کند. از اینرو هیچ گامی در جهت اصلاح و تغییر وضعیّت موجود، بدون گذر از میان این دو مهم، در سطوح مختلف ممکن نیست (قطب، ۱۳۶۲: ۱۸۲). با درنظر گرفتن این اصول که اصل‌های تعلیم و تربیت در اسلام را تشکیل می‌دهند (شیخ انصاری، ۱۳۸۹: ۳۲/۱) و همچنین دستاوردهای این اصول اعم از پیروی از قوانین ماندگار الهی، انگیزش درونی ناشی از حضور خدا نزد خود، کسب عزّت نفس از طریق اتکاء به خدا، استغناء درونی از دیگران، رهایی از احساس تنهایی، پرهیز از ذهن‌گرایی، القای روح‌معداری به انسان و ایجاد اعتماد و امید در او و به ویژه مراقبه و محاسبه که از دستاوردهای مستقیم اصل نظارت‌مداری است، به ضرورت وجود نوعی کنترل درونی پی خواهیم برد که به اندیشه و رفتار انسان صبغه الهی دهد. دانشمندان از این نیرو به مهارت خودکنترلی تعبیر کرده‌اند.

۱۲-۲- تقوا

یکی از اهداف میانی نظام عبادی و اخلاقی اسلام، رسیدن انسان‌های مؤمن به فضیلت تقواست؛ زیرا رسیدن به این فضیلت، انسان را از اندیشیدن به ممنوعات باز می‌دارد. خداوند پس از امر به روزه داری، دربارهٔ ثمره روزه می‌فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: تا پرهیزگار شوید» (بقره: ۱۸۳). همچنین خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم، خطاب به انسان‌ها یا مؤمنان آنان را به تقوا دعوت کرده است (آل عمران: ۱۰۲؛ نساء: ۱؛ مائده: ۳۵؛ توبه: ۱۱۹؛ حج: ۱؛ لقمان: ۳۳؛ احزاب: ۷۰؛ زمر: ۱۰؛ حدید: ۲۸؛ حشر: ۱۸).

«تقوا در اصل به معنای نگهداری یا خویشتن‌داری است و به تعبیر دیگر، یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می‌کند و در واقع،

نقش ترمز نیرومندی را دارد که ماشین وجود انسان را از سقوط در پرتگاه حفظ کرده، از تند روی‌های خطرناک باز می‌دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۲/۱).

سیاست جنائی اسلام در امر مبارزه با جرائم از جمله جرائم جنسی نگاه ویژه‌ای به تقوا دارد و با بیان راه‌های کسب و تقویت تقوا می‌کوشد، این عامل کنترل را در درون انسان نهادینه کند تا مانعیت از ارتکاب جرائم از جمله جرائم جنسی از درون فرد بجوشد که همواره حتی در خلوت‌ترین مکان‌ها با اوست.

در متون دینی، تقوی یک کنترل درونی و معیار و ملاک ایمان به شمار می‌آید و کرامت انسانی و امتیازها در جامعه اسلامی بر اساس تقوی سنجیده می‌شود: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ: گرامی‌ترین شما با تقواترین شماست» (حجرات: ۱۳). تقوی از ماده «وقایه» به معنای نگهداری یا خویشتن داری است. وقایه به معنای نگهداری اشیا در برابر اموری است که به آنها زیان و ضرر می‌رساند و تقوی قرار دادن روح در یک پوشش حفاظتی در برابر خطرهاست. به همین دلیل است که تقوی را گاهی به خوف و ترس تفسیر کرده‌اند. حال آن که خوف، خود سبب تقوی می‌شود و در عرف شرع، تقوی به معنای خویشتن داری در برابر گناهان است و کمال تقوی آن است که از مشتهات نیز اجتناب شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۸۸۱).

در آیه دیگری (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ: ای اهل ایمان، اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند به شما فرقان می‌دهد» (انفال: ۲۹). منظور از فرقان، چیزی است که میان دو شیء فرق می‌گذارد. در این آیه مبارکه منظور از فرقان این است که خداوند نوری در انسان‌های با تقوی قرار می‌دهد تا به وسیله آن بتواند به خوبی حق را از باطل تشخیص دهد. انسان به وسیله این نور درونی می‌تواند ایمان را از کفر، هدایت را از گمراهی، اندیشه صحیح را از غلط و بینش الهی را از بینش شیطانی جدا نماید و حتی در جریان‌های اجتماعی و سیاسی نیز صاحبش را از گمراهی نجات دهد (حسینی،

۱۳۸۹). بنابراین از فحوای کلمه تقوی و موارد استعمال آن، دو جنبه سلبی و ایجابی مستفاد می شود. بدین معنا که کسی که درصدد تسلط بر خود برمی آید، هم از انجام امور ناپسند خودداری می کند و تقوی به منزله وجدان آگاه فرد است که او را بر تمایلات و شهوات خود مسلط می سازد و از تجاوز به حدود دیگران منع می کند (طالقانی، بی تا: ۵۴/۱) و هم خود را ملزم به انجام امور پسندیده می سازد (شریعتمداری، ۱۳۶۷: ۳۶۵).

۱۳-۲- آموزش - حمایت

نخستین گام در جهت پیشگیری از مجرمیت عبارت است از: آموزش تعلیم و تفهیم مفاهیمی از قبیل خوب، بد، باید و نباید، روا و ناروا، حق و ناحق، صحیح و باطل و نیز انزار از عواقب و تبعات بدکاری و تبشیر به پاداش های نیکوکاری. نخستین و مهم ترین مراجع اجتماعی که این نقش آموزشی را ایفا می کنند، عبارتند از: خانواده، مدرسه، مسجد. این مراجع در کنار وسایل ارتباط جمعی، سمعی و بصری نخستین خشت بنای رفتاری هر فرد مسلمان را می نهند. پیشگیری از وقوع جرائم همچنین منوط است به فراهم بودن نیازهای طبیعی و مشروع شهروندان.

در اخلاق و شرع اسلامی، شمار بزرگی از آموزش ها و مقررات وجود دارد که تحت عناوین مختلف، مردم را در مقابل یکدیگر مکلف و مسئول قرار می دهد. به عنوان نمونه، تعالیم مربوط به ترغیب فرزندان به امر ازدواج و تسهیل آن می تواند زمینه های ارتکاب جرائم جنسی را از بین ببرد. به طور کلی، تعالیم اخلاقی و مقررات حقوقی، دینی که بر محور فضایل و ارزش های انسانی استوار می باشند بالقوه می توانند در تعدیل کلی رفتار اجتماعی اثر گذار بوده و به نحوی در پیشگیری از وقوع جرم از جمله جرائم جنسی در جامعه اسلامی مؤثر باشند.

۱۴-۲- پرهیز از اختلاط با نامحرم

اختلاط زن و مرد نامحرم با یکدیگر در محیط‌های گوناگون اجتماعی از محل تحصیل گرفته تا محیط اشتغال مانعی ندارد مگر این که عنوان حرام بر آن صدق کند ولی همین اختلاط بلا اشکال چون امکان دارد زمینه حرام را فراهم سازد، بهتر است محدود باشد. در این خصوص، قرآن کریم درباره دختران شعیب می‌فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ: وقتی (موسی) به چاه آب مدین رسید گروهی از مردم را آنجا دید که چهار پایان خود را سیراب می‌کند. کنار آنها دو زن را دید که مراقب گوسفندان خود هستند. به آن دو گفت: کار شما چیست؟ چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟ گفتند: ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند...» (قصص: ۲۳). بنابراین باید تا حد امکان از اختلاط زن و مرد بیگانه پرهیز کرد تا از عوارض جانبی و پیامدهای احتمالی آن پیشگیری کرد.

۱۵-۲- کاهش روابط با نامحرم

برابر آموزه‌های اسلامی، زن و مرد بیگانه می‌توانند با حفظ شئون و حجاب با یکدیگر روابط اجتماعی برقرار کنند، ولی از آنجا که نیروی جنسی در انسان قوی است و به طور طبیعی به جنس مخالف تمایل دارد، توصیه شریعت به منظور پیشگیری از گناه بر این است که روابط دو جنس مخالف به ویژه در دوره جوانی تا جایی که امکان دارد، محدود شود و چنان چه ضرورتی آن را اقتضا نمی‌کند، صورت نگیرد؛ زیرا رابطه باید برای کاری و رفع نیازی باشد. بنابراین، وقتی نیاز اجتماعی برقراری ارتباط فردی را توجیه نکند، احتمال به وجود آمدن برخی افکار نادرست و وسوسه انگیز در طرف زیاد می‌شود که در بسیاری از موارد لغزش‌های خطرناکی را به دنبال دارد. از حضرت علی (ع) روایت شده است: «من سبقت گرفتن در سلام به زنان جوان

را نمی پسندم» (کلینی، ۱۳۸۸: ۶۴۸/۲). عدم وجوب نماز جمعه بر زن و عدم توصیه او به حضور در نماز جماعت در اینباره قابل ارزیابی است.

۱۶-۲- پرهیز از تبرّج و خودنمایی

«تبرّج» در لغت یعنی زن، زینت و زیبایی های خود را برای مردان آشکار سازد (جوهری ۱۴۰۷: ۲۹۹/۱). در اصطلاح عبارت است از این که زن، زیبایی های خود و آن چه را که پوشاندن آن واجب است، آشکار سازد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۷: ۲۶۹). بنابراین می توان گفت در تبرّج، نوعی کشش از سوی زن برای خودنمایی و جلب توجه مردان نامحرم دارد. اندیشمندان فقه اعم از امامیه (نجفی، ۱۳۶۷: ۸۵/۲۹) و اهل سنت (ابن عابدین، ۱۴۱۵: ۳: ۶۶۴) اعتقاد دارند که تبرّج بر زن حرام است و او باید از آشکار ساختن زینت و زیبایی خود در برابر نامحرم بپرهیزد. بنابراین در فقه اسلامی آمده است حتی اعضای از بدن زن که پوشاندن آن از نامحرم استثنا شده است مثل صورت و کفّین چنان چه دارای زینت و آرایش باشد، آشکار کردن آنها نیز تبرّج و حرام اعلام شده است.

۱۷-۲- خودداری از عشوه گری، ناز و کرشمه کردن برای نامحرم

عشوه گری به معنای ناز و غمزه کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱: ۵۹۰). قرآن کریم از آن به خضوع در سخن گفتن تعبیر کرده است. خضوع در سخن گفتن، یعنی زن به گونه ای نرم و لطیف سخن بگوید که مرد شنونده با شنیدن این سخنان در او طمع کند. در سیاست جنائی اسلام، زنان در روابط اجتماعی خود با مردان باید از گفتار و رفتار تصنعی بپرهیزند؛ زیرا تغییر لحن سخن گفتن و رفتار مهیج با نامحرم امکان دارد غریزه جنسی او را تحریک کند و افرادی که زمینه و آمادگی لغزش را دارند، این نوع گفتار و رفتار زنان را اظهار علاقه از سوی آنان بیندازد و نسبت به آنها طمع کند. بنابراین، برای آن که محیط اجتماعی از وضعیت فعالیت مفید خارج نگردد، زنان باید در روابط اجتماعی خود مطابق معروف و پسندیده و به عبارت دیگر، به صورت عادی

و معمولی به دور از هر عشوهِ گری عمل نماید. خداوند در اینباره خطاب به زنان می فرماید: «قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲). بنابراین سخنان و حرکات عشوهِ آمیز زن در برابر مرد نامحرم حرام اعلام شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۷: ۵۶؛ نجفی، ۱۳۶۷: ۱۹۸/۲۹).

۱۸-۲- کنترل نگاه

چشم یکی از راه های ارتباط انسان با محیط اطراف خود است. این مجرای ارتباطی، سهم عظیمی در برانگیختن قوای جنسی دارد. بنابراین در فرهنگ دینی به منظور پیشگیری از جرم به این مسأله توجه فراوان شده است؛ زیرا نگاه آلوده می تواند نخستین گام برای روابط ناسالم قوی تر باشد. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) «نگاه حرام تیر مسمومی از تیرهای شیطان معرفی شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱/۳۸). از اینرو در قرآن هم به مردان و هم به زنان مؤمن دستور داده شده است که نگاه خود را از نامحرم برگیرند.

۱۹-۲- ممنوعیت لمس

در فرهنگ اسلامی برای تنظیم یک برنامه جامع در روابط بین زن و مرد و پیشگیری از آلودگی های جنسی در عین وجود روابط جنسی تماس بدنی زن و مرد نامحرم را با یکدیگر منع کرده است؛ زیرا لمس عمدی میان زن و مرد نامحرم تأثیر بیشتری از نگاه حرام در شعله ورتن شدن آتش میل جنسی دارد. بنابراین گفته اند: «هر جا که به حرام بودن نگاه حکم شده است، آنجا حرام بودن لمس نامحرم سزاوارتر است؛ زیرا لمس، در تحریک قوای جنسی و دامن زدن بر پایه فتنه مؤثرتر و قوی تر از نگاه است» (کرکی، ۱۴۰۸: ۴۳/۱۲).

۲۰-۲- تشویق به ازدواج

سیاست جنائی اسلام در برخورد صحیح با غریزه جنسی، افراد را به رفع نیاز جنسی در چهارچوب مقررات ازدواج تشویق می کند. پیامبر (ص) ازدواج را از سنت خود دانسته و در این زمینه می فرماید: «کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند همانا

ازدواج از سنّت من است» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۹/۵). ایشان در اهمیّت ازدواج در جلوگیری از انحراف جنسی فرموده است: «هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج بنا نگردید» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۳۸۳/۳). اسلام برای پاسخ مثبت به نیازهای جنسی انسان و تعدیل و هدایت غریزه جنسی، نهاد ازدواج اعم از دائم و موقت را بنیان گذاشته است (شهید ثانی، بی تا: ۱۰۸/۵).

الف - ازدواج دائم: خداوند در قرآن کریم درباره ازدواج دائم می فرماید: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ: پس با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید» (نساء: ۳)؛ یا در آیه دیگری فرموده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ: و مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید» (نور: ۳۲). در آیه دیگری آمده است «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفریده تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد. در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند» (روم: ۲۱). اسلام با تشریح ازدواج، غریزه جنسی انسان را مطلوب ارزیابی کرده است و درصدد رفع قانونمند آن برآمده است تا انسان بدین وسیله از فشار و طغیان غریزه جنسی رهایی یابد و به یک آرامش و سکون درونی برسد؛ بنابراین، فقها به استناد این آیات و روایات در ابتدای بحث نکاح، ازدواج را امری مستحبّ و حتی در مواردی واجب دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۲/۲؛ علامه حلّی، ۱۴۲۰: ۴۱۴/۳؛ محقق حلّی، بی تا: ۱۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۸) حتی در صورت نیاز، تعداد زوجات را به شرط رعایت اعتدال، برای مردان مجاز شمرده است: «ازدواج کنید با زنانی که برای شما پاکیزه دانسته شد، دو تا، سه تا و چهار تا» (نساء: ۳). بر این اساس، یکی از راه های پیشگیری از جرائم جنسی، ازدواج است.

ب - ازدواج موقت: اسلام، ازدواج موقت را که برگرفته از قرآن کریم است برای جلوگیری از گناه مقرر کرده است: «مَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ

فَرِيضَةٌ: زنانی را که متعه (ازدواج موقت می‌کنید، واجب است مهر آنان را بپردازید) (نساء: ۲۴) چنان که به تصریح فقها (شهید ثانی، بی تا: ۲۴۵/۵) در اصل مشروعیت ازدواج موقت هیچ اختلاف نظری بین تمامی مسلمانان وجود ندارد بنابراین یکی از راه‌های تعدیل غریزه جنسی، ازدواج موقت است که می‌تواند ازدامنه جرائم جنسی بکاهد، چنان که در روایتی از امام باقر(ع) آمده است که امام علی(ع) فرمودند: «اگر عمر سبقت نمی‌گرفت نسبت به ازدواج موقت و آن را حرام نمی‌کرد، بجز انسان‌های بدبخت و پلید، زنا نمی‌کردند» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۱۴۱). به بیانی، هر مرد یا زنی که نیاز جنسی داشته باشد می‌تواند با شرایطی آن را از راه ازدواج موقت برطرف نماید، بدون این که به نقض ارزش‌ها و مقررات جامعه منجر گردد و برای افراد سالم بهانه ای برای رفتن به سوی جرائم جنسی باقی نمی‌ماند.

نتیجه گیری

در سیاست جنائی اسلام بهترین راهکار برای پیشگیری از جرائم جنسی اقدامات فرهنگی است. حفظ شعار اسلامی از جمله داشتن عفت، خویشتن داری، داشتن حجاب، حیا، اصل خدامحوری، اصل تعبد مداری، تقویت ایمان، اصل آخرت گرایی، اصل اخلاق مداری، اصل اعتدال گرایی، اصل خوف و رجاء (بیم و امید)، تقوا، آموزش - حمایت، پرهیز از اختلاط با نامحرم، کاهش روابط با نامحرم، پرهیز از تبرج و خودنمایی، خودداری از عشوه گری، ناز و کرشمه کردن برای نامحرم، کنترل نگاه، ممنوعیت لمس، تشویق به ازدواج و نقش خانواده و شهروندان در تربیت انسان ها از جمله سیاست های غیر کیفری (پیشگیری اجتماعی) فقه اسلامی در برابر جرائم جنسی و از مصداق های بارز این اقدامات هستند؛ زیرا تا زمانی که انگیزه ها و اسباب ارتکاب جرم جنسی در جامعه وجود دارد، پیشگیری معنایی نخواهد داشت.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۰)، تحت العقول عن آل الرسول عليهم السلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن عابدین، محمد امین (۱۴۱۵ق)، حاشیه رد المحتار علی الدر المختار، بیروت: دار الفکر.
- ابن فارس، احمد (۱۴۱۰ق)، معجم مقائیس اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق)، لسان العرب، ج ۹، مؤسسه الأعلمی.
- احمدی پور نظری، نجمه (۱۳۹۷)، بزه دیدگان جرائم جنسی زنان و راهکارهای کیفری و غیر کیفری، تهران: آوای نور.
- اخلاقی امیری، حسن (۱۳۸۹)، گام هایی در تربیت نفس، فصلنامه راه تربیت، ۱۱، ۸۶-۷۳.
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمد امین (۱۳۸۹)، ملحقات مکاسب، قم: دار الحکم.
- انصاری اصل، محمد؛ ارزومند، بهنام؛ کاظم زاده، رویا (۱۳۹۶)، سیاست جنائی اسلام در قبال اشاعه فحشاء، اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی، شیراز، دانشگاه علمی کاربردی شوشتر، ۱۸-۱.
- جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۷)، آموزش اخلاق رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان (راهنمای عملی)، تهران: ارجمند.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، ترمینو لوژی حقوق، ج ۲۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، الصحاح - تاج اللغه و صحاح العربیه، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین.
- چشمی، معصومه (۱۳۸۳)، عوامل تحکیم و تخریب خانواده در قرآن و حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشکده اصول دین تهران.
- چولکی، غلامرضا (۱۳۹۲)، نقش حجاب در امنیت و آرامش زنان در جامعه از نظر اسلام، فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت انتظامی، ۴، ۱۰۶-۱۳۳.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، قم: مؤسسه آل البیت عليهم السلام لإحياء التراث.

- حسن زاده، صالح (۱۳۹۲)، **عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی**، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۵، ۴۵-۶۵.
- حسینی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۴)، **سیاست جنائی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.
- حسینی، حسین (۱۳۸۰)، **سراج**، تهران: مرکز پژوهش های صدا و سیما.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، **تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیه**، ج ۳، تحقیق و تصحیح: ابراهیم بهادری، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (بی تا)، **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، شرح و تحقیق - دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق)، **مفردات الفاظ القرآن**، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق: دار القلم.
- رستمی، ولی (۱۳۸۲)، **سیاست جنائی مشارکتی در جمهوری اسلامی ایران**، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم شناختی، دانشگاه تهران.
- رضایی، اصغر؛ علی پور باغبان نژاد، یوسف (۱۳۸۳)، **حجاب آزادی یا اسارت**، تبریز: احرار.
- سجادی، سید علی (۱۳۸۵)، **خودکنترلی در نظام کنترل و نظارت اسلامی**، فصلنامه اندیشه صادق، ۲۳، ۳-۱۶.
- شرفی، محمد رضا (۱۳۸۸)، **مهارت های زندگی در سیره رضوی**، مشهد: قدس رضوی.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۷، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (بی تا)، **الروضه البهیة فی شرح اللّمعه الدمشقیه**، ج ۵، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۵ق)، **المقنع**، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۱ق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۷، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، بیروت: مؤسسه البعثه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۲، تهران: المکتبه المرتضویه.
- عظیم زاده اردبیلی، فاتزه؛ حسابی، ساره (۱۳۹۰)، **سیاست جنائی و تطوّر مفهومی آن**، تعالی حقوق، ۱۵، ۱۱۳-۱۳۳.
- عظیم زاده اردبیلی، فاتزه؛ ملک زاده، فهیمه (۱۳۹۳)، **پیشگیری از جرائم در آموزه های قرآن**، فصلنامه قرآن و علوم بشری، ۲، ۱۰۷-۱۲۶.
- فراهانی، مجتبی (۱۳۷۸)، **تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)**، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۵)، **مبانی سیاست جنائی حکومت اسلامی**، قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کاشانی، ابو بکر بن مسعود (۱۳۸۶)، **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع**، مصر: مطبعه الجمالیه.
- کبریتی کرمانی، محمدجواد (۱۳۹۰)، **بررسی فقهی حقوقی مبانی جرم انگاری بزه های جنسی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- کرکی (محقق)، علی بن حسین (۱۴۰۸ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل البيت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)، **الکافی**، ج ۱ و ۲ و ۴ و ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، **درآمدی به سیاست جنائی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- مجلسی (علامه)، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار**، ج ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی جور کویه، علی (۱۳۸۹)، **سیاست جنائی اسلام در جرائم جنسی**، حقوق اسلامی، ۲۴، ۸۷-۱۲۱.
- محمدی، زهره (۱۳۹۳)، **بایسته های رفتاری افراد خانواده متعالی از منظر قرآن و روایات**، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشکده علوم قرآنی قم.
- مختاری، نادر؛ غیرتمند، سعید؛ عسکری، محمدعلی (۱۳۹۴)، **آثار فردی و اجتماعی عفاف و حجاب و نقش آن در امنیت زنان**، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، ۶، ۷-۳۲.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، **مسأله حجاب**، تهران: صدرا.
- مظاهری، حسین (۱۳۷۱)، **اخلاق و جوان**، قم: شفق.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، **القواعد الفقهیه**، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- میرخلیلی، سید محمد (۱۳۹۴)، **مبانی و راهبردهای سیاست جنائی اسلام**، مجموعه مقالات کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، ۲، ۳۰۷-۳۴۰.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۹، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳ق)، **جامع السعادات**، نجف: مطبعه النجف.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۹۰)، **معراج السعاده**، تهران: موعود اسلام.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۹)، **اهداف مجازات در جرائم جنسی: چشم اندازی اسلامی**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۲)، **مدیریت عمومی**، تهران: نی.